

## رنگ در تاریخ ایران

«پوشید جامه سپید، که آن نیکوتر  
و پاکیزه‌ترین رنگهاست...»  
پیامبر اکرم (ص)

در مطالعات تاریخی و تحقیقات ایران‌شناسی، بسیاری از نکات حساس و ظریف تاریخی وجود دارد که اگرچه در وهله اول کوچک می‌نماید، اما دارای سابقه دیرینه تاریخی و زمینه بسیار قوی اجتماعی و سیاسی است. بطور مثال مفهوم سیاسی و اجتماعی رنگ در رویدادهای تاریخی است.

در طول تاریخ ایران و بویژه در دوران اسلامی، رنگ نقشی مهم را در مقاطع مختلف داشته و حتی نمادی از یک واقعه تاریخی و یا همچنین یک دوره تاریخی بوده است که البته مفاهیم مختلفی را در بر می‌گیرد. رنگ در تاریخ ایران، با مفاهیم و یا معانی حقیقی خود بکار رفته است. در تمدنهای کهن و دوران پیش از تاریخ ایران، وسایل و آلات و ابزار مردمان با رنگی تزیین می‌شد که در آن منطقه وجود داشته است و گاه حتی آن تمدن، مثلاً بمناسبت وجود خاکی نخودی رنگ و در نتیجه وجود آلات و ابزار به رنگ نخودی، به تمدن نخودی رنگ مشهور می‌شد (تپه گیان ایران). در دورانهای تاریخی ایران و در مقاطع پیش از ظهور اسلام، بویژه رنگهای طلایی و نقره‌ای مورد توجه بود. در ادوار اسلامی و در ممالک اسلامی نیز تنوع شگفت‌انگیز پوشاکهای مختلف با آداب و سنن بومی منطقه تناسب داشت. بطور مثال بدویان از

پشم گوسفند سفید، و یا موی بز سیاه لباس تهیه می کردند. مردم شهر بَرَقَه اغلب قرمز می پوشیدند و در فسطاط (مصر) آنان را با رنگ لباس قرمزشان می شناختند، زیرا که بَرَقَه در میان صحرائی قرار داشت که دارای خاك و سنگ قرمز بودا و کار با آن مصالح، بالطبع لباس را قرمز می کرد. گاه امر تجارت به یکرنگ کردن البسه مردم، بدون هیچ زمینه تاریخی آن، کمک می کرد. مثلاً ورود مستمر قرمز دانه و نیل و زعفران به ممالک اسلامی، باعث هماهنگی رنگها می شد، اما مسائل و حوادث تاریخی، زمینه دیگری را برای انتخاب رنگها به وجود می آورد.

در ادیان الهی و کتب آسمانی، گاه رنگها به هر دو مفهوم معنوی و حقیقی خود دیده می شود. در انجیل کتاب مقدس مسیحیان، رنگهای سبز، طلایی، قرمز و آبی بصورت صفت و در معانی حقیقی آن و دو رنگ سفید و سیاه، بعنوان صفت و نیز با مفهوم معنوی آن بکار رفته است.<sup>۲</sup>

در قرآن کریم رنگهای سبز در سوره ۳۷ آیه ۸۰، سوره ۵۵ آیه ۶۴، سوره ۸۷ آیه ۵ - رنگ زرد در سوره ۲ آیه ۶۹ - رنگ قرمز در سوره ۳۵ آیه ۲۷ - رنگ سفید در سوره ۲ آیه ۱۸۷ و بالاخره رنگ سیاه در سوره ۲ آیه ۱۸۷ آمده است.

پیامبر اسلام، صلوات الله علیه، نیز در حیات پرتنم خود و در زندگانی روزمره خویش از رنگهای چندی استفاده فرموده اند. بعدها در طول تاریخ و در طی قرون، رنگ سبز بصورت نمادی از پیام حضرت ختمی مرتبت و شعار دین مبین اسلام درآمد، و هم اکنون نیز رنگ سبز، به عنوان رنگ رسمی بسیاری از کشورهای اسلامی، در پرچم کشورها منعکس است. در کتابهای مختلف که در مورد شیوه زندگی و سیره

۱- مطهر مقدسی: *البدء والتاریخ*، به کوشش کلمان هوار، جلد ۲، جزء رابع (پاریس ۱۹۰۳)، ص ۷۲، و ترجمه فارسی آن: *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۴، (تهران ۱۳۵۰)، ص ۵۹.

آن حضرت به تحریر درآمده است؛ مؤلفان گاه به صراحت و زمانی بطور غیر مستقیم به رنگهای مورد استفاده ایشان اشاره کرده اند. در بخشی از سیره نبوی کتاب طبقات تألیف محمد بن سعد (متوفی ۳۳۰ ق) که کاتب محمد بن عمر واقدی بوده است<sup>۳</sup>، آگاهیهای از عادات لباس پوشیدن پیامبر اکرم (ص) آمده است. بطور مثال فضل... از ابوقلابه نقل می کند که پیامبر (ص) فرموده است: «از محبوبترین جامه های شما در نظر خداوند جامه سپید است، در آن نماز بگزارید و مردگان خود را در آن کفن کنید»<sup>۴</sup>. و یا اینکه پیامبر (ص) فرموده است «بر شما باد پوشیدن جامه سپید، زندگان شما آن را بیوشند و مردگان خود را در آن کفن کنید»<sup>۵</sup>.

همچنین نقل شده است که «پیامبر (ص) را در حال طواف دیدم که حوله سبز بر دوش داشت و شانه چپ خود را پوشیده و شانه راستش برهنه بود»<sup>۶</sup>. و نیز اینکه پیامبر (ص) را در حالتی دیدم که دو بُرد سبز پوشیده بود»<sup>۷</sup>.

از آنجایی که نحوه زندگانی حضرت ختمی مرتبت، حتی در کوچکترین اعمال آن حضرت، مورد توجه فراوان اطرافیان و پیروان بود، نباید تعجب کنیم که طبقات می گوید، هنگامی که نمایندگان بنی عامر در مکه (محلّه ابطح) به خدمت پیامبر (ص) رسیدند، پیامبر (ص) در «داخل خیمه ای سرخ رنگ»<sup>۸</sup> بود. یا رسول خدا (ص)

### رتال جامع علوم انسانی

۳- محمد بن سعد کاتب واقدی، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی (تهران ۱۳۶۵).

۴- محمد بن سعد: طبقات، ص ۴۴۸.

۵- همان جا.

۶- محمد بن سعد: طبقات، ص ۴۵۱.

۷- همان کتاب، ص ۴۵۰.

۸- همان کتاب، ص ۳۱۳. در صفحات بعد طبقات گفته می شود که «آن حضرت در خیمه یی

سرخ رنگ بود و چون از خیمه بیرون آمد، جبهی سرخ بر تن داشت و حله یی سرخ بر دوش افکنده بود». ص ۴۴۹.

روزهای جمعه بُرد سرخ می‌پوشیدند و در دو عید (فطر و قربان) عمامه سرخ می‌بستند.<sup>۹</sup> همچنین از قول یکی از نزدیکان پیامبر نقل شده که می‌گفته‌است «هیچ کس را در جامه سرخ زیاتر از رسول خدا ندیده‌ام. درود و سلام خدا بر او باد».<sup>۱۰</sup>

و نیز از جابر بن عبدالله در همین منبع نقل می‌شود «که پیامبر (ص) روزهای عید قربان و عید فطر و جمعه‌ها، حُلّه و بُرد سرخ رنگ خود را می‌پوشید». شبیه چنین جملاتی نیز از جانب عییدالله بن موسی که از نزدیکان بود، گفته شده‌است که «هیچ کس از خالق خدا را در حُلّه سرخ زیاتر از رسول خدا (ص) ندیده‌ام».<sup>۱۱</sup> در سال فتح مکه، در محل فکدید نزدیک مکه، مردانی که به ملاقات رسول خداوند آمدند، همگی مسلمان شدند و «خواستند که در پیشاپیش لشکر قرار بگیرند و رنگ پرچم آنان سرخ باشد».<sup>۱۲</sup> همچنین بد نیست که گفته شود که پیامبر اکرم (ص) دستور دادند که «بر روی قطعه چرم سرخی» فرمانی نوشته شود که به موجب آن منطقه عتیق به «خاندان بنی عقیل» داده شود.<sup>۱۳</sup> طبقات همچنین از قول نزدیکان پیامبر (ص) می‌نویسد که گاهی پیراهن و رداء و ازار رسول خدا را با زعفران و ورس رنگ می‌کردند و پیامبر (ص) آن را می‌پوشید و بیرون می‌آمد.<sup>۱۴</sup> همچنین پیامبر (ص) دارای ملاقه زرد رنگی بوده‌اند که با ورس رنگ شده بود.<sup>۱۵</sup> علاوه بر آن ذکر

۹- طبقات، ص ۴۴۹. *رتال جامع علوم انسانی*

۱۰- همان جا.

۱۱- طبقات، ص ۴۲۹.

۱۲- طبقات، ص ۲۰۹ و بعد.

۱۳- طبقات، ص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۱۴- طبقات، ص ۴۵۰، ۳۲۱. ورس (گل گاویشه) ماده رنگینی بود که از صدر اسلام برای رنگ کردن متداول بود و محل کشت آن بخصوص در یمن بود. در ایران نیز در مناطق جنوبی کشت می‌شود.

۱۵- طبقات، ص ۴۵۰.

می‌کند که «پیامبر (ص) وارد مکه شد، درحالی‌که عمامه‌یی [دستاری] سیاه بر سر داشت»، و نیز نقل می‌کند که «پرچمها و ریایات رسول خدا (ص) سیاه بود»<sup>۱۶</sup>. واقدی از ابوبکر ... نقل می‌کند که می‌گفته‌است که: «شنیدم عباس بن عبدالمطلب می‌گفت رسول خدا درحج خود برخانه کعبه جامه‌های گرانبهای سیاه پوشاند»<sup>۱۷</sup>. خوارزمی در مفاتیح‌العلوم می‌نویسد از جمله اصطلاحاتی که اعراب بعد از ظهور اسلام در کتابهای فتوح، مغازی و تاریخ بکار بردند، کلمه شرطیون است. «شرطيون یعنی کسانی که دارای پرچمهای سیاه هستند و رئیسشان را صاحب‌الشرط می‌گویند»<sup>۱۸</sup>.

بکاربردن پرچم، چه نزد ایرانیان و چه نزد اعراب قبل از ظهور اسلام متداول بوده‌است. درفش و پرچم ایران از دوران باستان، در تاریخ شهرت دارد<sup>۱۹</sup>. در یکی از

۱۶- طبقات، ص ۴۵۳. برای آگاهی از ورود پیامبر اکرم (ص) به مکه با دستار سیاه همچنین رجوع کنید به ابن‌اثیر: الکامل، ترجمه عباس خلیلی، ج ۹ (تهران بی‌تا)، ص ۱۱۴، که می‌گوید: «پیغمبر هنگام فتح وارد مکه که شد، بر سر عمامه سیاه داشت» و این لباس هیت و لباس دولت است).

۱۷- طبقات، ص ۱۴۳.

۱۸- خوارزمی: مفاتیح‌العلوم، ترجمه حسین خدیو جم (تهران ۱۳۶۲)، ص ۱۱۳؛ هلال صابی، کتاب‌الوزراء، تصحیح احمد فراج (قاہرہ، ۱۹۵۸)، ص ۲۰.

۱۹- هر واحد نظامی ایرانیان در زمان ساسانیان، درفش نامیده می‌شد. هر درفش، اجازه داشتن پرچم یا درفشی برای خود داشت. هر پرچم می‌توانست برای منظور خاصی تعیین گردد. بطور مثال در هنگام حمله، پرچمی به رنگ سرخ انتخاب می‌کردند. در شاهنامه فردوسی از پرچم بنفش ایران باستان یاد شده‌است. همچنین در شاهنامه از پرچمی سیاه رنگ با نقوش حیوانات و یا دیگر اشکال آن صحبت شده‌است. درفش کاویان که از چرم پیش‌بند کاوه آهنگر بود، مربوط به اواخر عصر ساسانی است. برای آگاهی بیشتر پیرامون رنگ و تصاویر منقوش روی پرچمهای ایران در دوران قبل از اسلام رجوع کنید به: آرتور کریستنسن: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی (تهران ۱۳۵۱)، ص ۲۳۷ و بعد.

مناصب معمول در میان خاندان قریش پرچمداری بود که در آن ایام به آن عقاب می‌گفتند، و ظاهراً قریش نام عقاب را از رومیان گرفته بود زیرا که علامت رسمی دولت روم، عقاب بوده است.<sup>۲۰</sup> در سیره حلبیه روایت شده است که «در جنگ بدر کبری سه پرچم داشتند، یکی سفید و دوسیه . حضرت رسول (ص)، پرچم سفید را به مصعب بن عمیر دادند، و یکی از پرچمهای سیاه را به مردی از انصار واگذار کردند و اما پرچم سوم سیاه که نامش عقاب و از مسرط عایشه تهیه شده بود، به علی بن ابیطالب (ع) دادند»<sup>۲۱</sup>.

همچنین منابع در مورد آیات پیامبر اسلام (ص) نیز مطلبی نوشته اند. بطور مثال مجمل التواریخ و القصص به نقل از کتاب شرف النبی می نویسد که «رایتی سیاه که آن را عقاب گفتندی، ولوایی سپید بود»<sup>۲۲</sup>. علاوه بر آن نقل شده است که «پرچم حضرت رسول (ص) نیز رنگ سیاه داشته است»، ولی صاحب آثار الاموال می نویسد که پاره ای از پرچمهای پیغمبر (ص) سفید رنگ بوده است»<sup>۲۳</sup>. اعراب در همان صدر اسلام در جنگ نهاوند که در سال ۲۱ هجری قمری/ ۶۴۲ میلادی صورت گرفت، در لشکرکشی خود پرچم به همراه خود داشتند<sup>۲۴</sup>.

۲۰- جرجی زیدان: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، ج ۱، (تهران ۱۳۲۳)،

ص ۱۷۱.

۲۱- همانجا .

۲۲- مجمل التواریخ و القصص، به تصحیح محمد تقی بهار، (تهران ۱۳۱۸)، فصل «اندر

وصف سلاحهای پیغامبر علیه السلام»، ص ۲۶۳.

۲۳- جرجی زیدان: تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲۴- ابوحنیفه احمد بن داود دینوری: اخبار الثوالم، ترجمه محمود مهدوی دامغانی

(تهران ۱۳۶۶)، ص ۱۷۱. «سردار جنگ، نعمان بن مقرن، بر اسب سرخی سوار شد و جامه سپید

پوشید ... و از کنار پرچمداران حرکت می کرد و به آنان می گفت من برای شما پرچم خود را

[به هنگام حمله] سه بار تکان می دهم».

مورخ شهیر برتولد اسپولر دربارهٔ صدر اسلام گزارش می‌دهد که بمحض آنکه مسائل خوارج پیش آمده، آنان رنگ قرمز را به‌عنوان شعار خود انتخاب کردند.<sup>۲۵</sup> گاه دانشمندان علوم دینی نیز وقایع تاریخی و شدت آن را با رنگ سنجیده‌اند، بطور مثال شیخ صدوق (ابن بابویه) فقیه عالیقدر جهان تشیع در کتاب *علل الشرایع* چنین آورده است: «وقتی آسمان را سرخ بینی همرنگ خون تازه، و آفتاب را بر دیوار چون مفرش زرد، بدان که حسین (ع) کشته شده است»<sup>۲۶</sup>، و از همان ایام شهادت حضرت امام حسین (ع) است که رنگ سرخ دارای مفهوم سیاسی و اجتماعی شد.

امویان باستناد کتاب آثارالاول پس از پیامبر اکرم (ص) رنگ پرچم را عوض کردند و «پرچم امویان سرخ شد»<sup>۲۷</sup>. اما بعدها امویان رنگ سفید را مظهر خود قرار دادند و این امر حتی برای امویان اندلس هم معتبر بود<sup>۲۸</sup>. *مجملة التواریخ* و *القصص* حتی می‌نویسد که «علامت و کسوت بنی‌امیه سبز بوده است»<sup>۲۹</sup>، اما اغلب منابع رنگ سفید را به امویان نسبت داده‌اند.

علویان هم ابتدا رنگ سفید را برای خود انتخاب کردند:

«چون کار ناصر [کبیر] به آمل مستقیم شد، عبدالله ... به ساری علم‌ها سپید

کرد و مردم را با دعوت خواند»<sup>۳۰</sup>، *علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایران قبل و بعد از اسلام*  
همچنین در حرکت‌های ناحیهٔ رویان یادآور می‌شود که:

25— Berthold Spuler: *Iran in Prühislamischer Zeit*, (Wiesbaden 1952), S. 349.

۲۶— شیخ صدوق قمی: *علل الشرایع*، نسخه خطی برلین به شماره ۸۳۲۶، برگ ۱۰۰ الف.

۲۷— جرجی زیدان: *تاریخ تمدن اسلام*، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲۸— محمد بن جریر طبری: *تاریخ الرسل والملوثة*، ج ۲ (لیدن ۱۹۰۱—۱۸۷۹)، ص

۱۹۲۱. امکان دارد که سپیدپوشی عارفان مسیحی، زمینه انتخاب این رنگ بوده است.

۲۹— *مجملة التواریخ و القصص*، ص ۳۱۷.

۳۰— ابن اسفندیار: *تاریخ طبرستان*، به کوشش عباس اقبال (تهران بی‌تا)، ص ۲۷۰.

«مازیار درحال، پیش خلیفه مسرعی روانه کرد و نمود که مردم و رویان و ثغر چالوس خلع طاعت امیرالمؤمنین کردند و محمدبن موسی را فریفته و یاور گرفته و علوی را به خلافت نشانده، شعار سپید گردانیده‌اند»<sup>۳۱</sup>.

در مورد ناآرامیهای موجود در ساری توسط علویان آمده است که:

«... و غافل نشسته بود که ناگاه آواز تکبیر و صلوات

شنیدند و علمهای سپید در ساری آوردند، و لوله دایلم در افتاد»<sup>۳۲</sup>.

و بالاخره اینکه «محمد زید لشکر رافع را در آن سال نفقه داد تا رافع شعار و علم سپید کرد»<sup>۳۳</sup>. بعدها پرچم سفید علویان به سبز تبدیل شد (نگاه کنید به پاورقی ۴۶).  
 ثعالبی در یتیمه‌الدهر اشاره به سپیدپوشی شیعیان برخی از شهرهای ایران دارد و می‌گوید «مردم [شیعه] قم، کاشان و کرج را در جشنها و اجتماعات با جامه سپید بینی و...»<sup>۳۴</sup> عباسیان برعکس امویان رنگ سیاه را شعار خود قرار دادند<sup>۳۵</sup>.  
 هنگامی که ابومسلم در رمضان ۱۲۹ هجری قمری/ژوئن ۷۴۷ میلادی در نزدیکی

۳۱- همان کتاب، ص ۲۱۰.

۳۲- همان کتاب، ص ۲۳۲.

۳۳- همان کتاب، ص ۲۵۶.

\* رنگ سپید همیشه شعار فاطمیان بود و از همین جا از «سپیدپوشان» در برابر «سیاه پوشان»، که از عباسیان بودند، به‌شمار می‌آمدند. به‌نگاشته این‌خاکان در الوقیات (ج ۱، ص ۱۲۷) بنقل از محمدحسین ساکت نهاد دادرسی در اسلام (مشهد - ۱۳۶۵) ص ۴۶۷.

۳۴- ثعالبی: یتیمه‌الدهر فی محاسن اهل العصر، ج ۲ (بیروت ۱۲۹۰ ق/۱۸۷۳ م)، ص ۲۰۶.

۳۵- برای اعطاء پرچم رجوع کنید به طبری: تاریخ، ج ۲، ص ۱۹۴۹، و برای آگاهی از

چگونگی انتخاب رنگ سیاه نگاه کنید به: دینوری: اخبار الطوال، ص ۳۸۲ و ۴۰۲؛ و برای آگاهی از شعار سیاه قبل از عباسیان به ابن‌خلدون: العبر، ج ۲، ترجمه عبدالمحمد آیتی (تهران



مرو اعلام موجودیت سیاسی کرد، پرچم سیاه عباسی را به اهتزاز در آورد<sup>۳۶</sup>. عباسیان همچنان شعار و رنگ سیاه را تا زمان مأمون حفظ کردند و بهمین جهت است آنان را «المسوده» (سیاهپوشان) می‌نامیدند<sup>۳۷</sup>. امّا بمحض آنکه حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) از جانب خلیفه به‌عنوان ولیعهد تعیین گردید، رنگ سبز جانشین سیاه شد، زیرا که سبز نمادی از پیامبر (ص) شده بود:

«مأمون در روز دوشنبه ماه رمضان سال ۲۰۱ [هجری

قمری/ ۸۱۷ میلادی] به ولیعهدی پس از خود با وی [رضا علی بن موسی بن جعفر علیه السلام] بیعت نمود و مردم را به جای سیاه، سبزپوش کرد و فرمان آنرا به اطراف و نواحی نوشت ... و کسی نماند که لباس سبز نپوشد»<sup>۳۸</sup>.

امّا کم‌و‌بیش رنگ سیاه در نزد عباسیان و مأموران دولتی حفظ گردید و بخصوص قضات مانند دیگر کارکنان حکومتی می‌بایستی لباس سیاه‌رنگ بپوشانند. در سال ۲۳۷ هجری قمری، زمانی که حارث بن مسکین قاضی مصر شد، از او

۳۶- ابن اثیر: الکامل، ج ۹، ص ۱۱۴. همچنین در سال ۱۳۲ هجری قمری، محمد بن خالد بن عبدالله قسری در کوفه قیام کرد و شعار سیاه عباسی را برگزید، الکامل، ص ۳۳.

۳۷- ابن اسفندیار: تاریخ طبرستان، ص ۲۴۲ و ۲۷۱، و همچنین ابن‌واضح یعقوبی (احمد بن ابی یعقوب): تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آبتی، ج ۳ (تهران ۱۳۶۲)، ص ۳۲۲. میجمل- التواریخ و القصص داستان جالبی از ابو مسلم و غلام وی و پوشیدن البسه رنگی و سرانجام انتخاب رنگ سیاه تعریف می‌کند که توجه علاقه‌مندان را بدان جلب می‌کنم (در ص ۳۱۷ و بعد).

۳۸- ابن‌واضح یعقوبی: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۶۵ و ۴۶۶. همچنین برای رنگ سبز نگاه کنید به فقیه عالیقدر: یعقوب محمد کلینی: الکافی فی علم الدین (تهران چاپ سنگی ۱۸۸۹)، ص ۲۰۱ و نیز به: ابن‌خلدون: العبر، ص ۳۸۳ که می‌گوید: «چون مأمون، علی بن موسی‌الکاظم را به ولایت‌عهدی برگزید و با او بیعت کرد و او را به (الرضا من آل محمد) لقب داد، فرمود تا سپاهیان سیاه بپوشند و سبز بپوشند».

خواسته شد که لباس سیاه بپوشد، امّا وی خودداری کرد. دولتیان او را ترسانیدند و گفتند در این لباس طرفدار بنی‌امیه قلمداد خواهد شد و او پذیرفت و پشمینه سیاه پوشید<sup>۳۹</sup>. در قرن چهارم هجری قمری/دهم میلادی پوشیدن لباس سفید برای مردان کماکان بنا بر روایت و توصیه پیامبر (ص) وجود داشت و زنان هم می‌توانستند لباسهای رنگ به رنگ برتن کنند، امّا رجال دولتی در روزهای رسمی، لباس مشخصی داشتند. خطیب بغدادی از حدود سال ۴۰۰ هجری قمری گزارش می‌دهد که فقط خطیبان و مؤذنان موظف بودند، قبای سیاه بپوشند و ظاهراً روزهای جمعه نیز می‌بایست سرشناسان و دولتیان جز با قبای سیاه دیده نشوند<sup>۴۰</sup>. امّا در همین ایام، خلفای فاطمی برخلاف عباسیان، رنگ سفید را شعار خود کردند. پرچم فاطمیان و همچنین قرمطیان نیز سفید بود<sup>۴۱</sup>. چتر (مظله) فاطمیان هم به رنگ رسمی، سفید انتخاب شده بود. کسوت (روپوش) اهدایی خلفای فاطمی برای پوشش کعبه نیز رنگ سفید داشت<sup>۴۲</sup>، در حالی که خلفای عباسی، پارچه‌ای به رنگ سیاه پیشکش می‌کردند. (ابن جبیر سیاح اسپانیایی که در قرن ششم هجری قمری/دوازدهم میلادی از کعبه دیدن کرده است، از روپوش و کسوت سبز سخن می‌گوید که رنگ آن سبز

۳۹- آدام متز: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، (تهران ۱۳۶۲)، ص ۲۵۷. در زمان خلیفه متوکل که در سال ۲۳۲ق/۸۴۸ به حکومت رسید هر دو رنگ وجود داشته است. متوکل زمانی که برای پسران خود بیعت گرفت، بهر کدامشان دو پرچم یکی سیاه به نام ولایت عهد، و دیگری سفید به نام فرمانروایی اهداء کرد. رجوع کنید به جرجی زیدان: تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۷۱.

۴۰- متز: تمدن اسلامی، ص ۱۲۹.

۴۱- طیفور: کتاب بغداد، به کوشش ککر، ص ۲. امّا در سال ۳۶۰ هجری قمری ابوعلی حسن بن احمد قرمطی به نام خلیفه المطیع الله عباسی، خطبه خواند و جامه سیاه پوشید که شعار عباسیان بود. در این مورد نگاه کنید به: ابن خلدون: العبر، ج ۳، ص ۱۲۷.

۴۲- مقریزی: المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲ (مصر ۱۲۷۰)، ص ۲۸۰.

مغزپسته‌ای با منگوله‌های صورتی بوده است).<sup>۴۳</sup> در اواخر قرن چهارم هجری قمری/دهم میلادی در فسطاط مصر، در مراسم سال نو، مردم شخصی را به نام میر نوروزی انتخاب می‌کردند. این مرد صورت خود را سفید رنگ می‌کرد و با لباس قرمز سوار مرکبی می‌شد و در بازار بگردش می‌پرداخت و به مردم آب می‌پاشید. مراسم آب‌پاشی که از سنتهای قدیمی ایرانیان بود، در سال ۳۶۳ ق/ ۹۷۴ م توسط خلیفه ممنوع شد، اما بزودی مردم آن را مجدداً مرسوم کردند.<sup>۴۴</sup> در قیامهای علیه عباسیان، رنگ بار دیگر مفهوم تاریخی خود را حفظ کرد، چنانچه پیروان المقتنع، جامه و رنگ سپید را انتخاب کردند و به همین دلیل به آنان *مبیسّنه* یا سپید جامگان می‌گفتند.<sup>۴۵</sup> علویان نیز ابتدا رنگ سفید را شعار خود قرار دادند، اما پس از ولیعهدی امام رضا (ع) آن را به سبز تبدیل کردند.<sup>۴۶</sup> گذشته از زمینه سیاسی رنگ سفید در مقابل رنگ سیاه عباسیان، بطور کلی سفید در خراسان پیشینه سنتی نیز داشت. بطور مثال در خراسان سفید، رنگ مراسم سوگواری نیز بود و در قرون نخستین اسلامی نیز به همین منظور

۴۳- علی مظاهری: زندگی مسلمانان در قرون وسطا، ترجمه م. راوندی (تهران ۱۳۴۸).

ص ۳۱.

۴۴- همان کتاب، ص ۲۶۶. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴۵- ابن خلدون: العبر، ص ۳۲۳، به جماعت مبیسّنه طرفدار مقتنع که در بخارا و سند گرد آمده بودند، اشاره می‌کند. همچنین نگاه کنید به ابوبکر جعفر نرشخی: تاریخ بخارا، به کوشش مدرس رضوی (تهران ۱۳۱۷)، ص ۸۷، ۷۷ و نیز به: خوارزمی: مفاتیح العلوم، ص ۳۰ و ۳۳. - ابن اثیر در الکامل، ج ۹، ص ۶۷ می‌نویسد که در سال ۱۳۳ هجری قمری اهالی جزیره علیه ابوالعباس سفاح قیام کردند و شعار سفید را برگزیدند.

۴۶- کامل مصطفی الشیبی: الصلّة بین التصوف و التشیع (بغداد ۱۹۶۳)، ص ۲۱۹. شیبی توضیح جالبی می‌دهد که در حدود سال ۲۰۰ هجری قمری، سه تن از علویان (علی بن محمد بن جعفر، محمد بن سلیمان بن داود بن حسن و ابراهیم بن موسی جعفر، برادر امام رضا (ع) خود و طرفدارانشان سفید می‌پوشیدند، اما پس از اعلام ولیعهدی امام رضا (ع) که رنگ سبز رسمیت

بکار رفته است. زمانی که فرستادهٔ خلیفه، خبر مرگ القادر خلیفه عباسی را به محمود غزنوی داد «امیر ماتم داشتن بیسیجید و دیگر روز که بار داد با دستار و قبا بود سپید، و همه اولیاء و حشم و حاجیان با سپید آمدند.»<sup>۴۷</sup> در سرزمینهای غربی ممالک اسلامی یعنی اندلس و غرب مراکش (مغرب) هم سفید علامت عزاداری بود (امروزه نیز در بخشهای کوچکی این رسم وجود دارد)، در حالی که در غرب ایران در مواقع عزاداری از رنگهای تیره کبود، نیلی و سیاه استفاده می‌شد. اما کماکان زمینهٔ اجتماعی شعار سفید در برابر شعار سیاه عباسیان قوی بود. در اواسط قرن سوم هجری قمری/نهم میلادی که سرزمین طبرستان، مرکز تجمع مخالفان عباسی و پناهندگان زیدیه شده بود، دیلمیان نیز مانند اغلب آنان، جامهٔ سفید برتن کردند و با پرچم سفید به مبارزه برخاستند.<sup>۴۸</sup>

در عصر متوکل خلیفهٔ عباسی در سال ۲۳۴-۵ ق/ ۸۴۹ م یهودیان مجبور شدند ستارهٔ داوود را با پارچه‌ای زرد رنگ به لباس خود بدوزند، تا از پیروان دیگر ادیان مشخص شوند.<sup>۴۹</sup>

→

یافت، این امر مورد اعتراض طرفداران عرب حکومت عباسی قرار گرفت، زیرا که رنگ سبز را شعار شاهان ایران می‌دانستند. فضل بن سهل در این مسأله مورد اعتراض شدید قرار گرفت و متهم به آن شد که قصد دارد، دولت خسروان را مجدداً احیاء کند، و گرنه به جعلت رنگ سپید را که شعار علویان بوده، عوض کرده است (بنگرید به توضیح پس از شماره ۳۳).

۴۷- بیهقی: تاریخ بیهقی، به کوشش غنی - فیاض (تهران ۱۳۲۴)، ص ۲۸۹؛ و همچنین در قرون وسطا، ص ۶۸، ۶۹ و نیز متر: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۱۲۹.

۴۸- برای آگاهی از رنگ لباس در مراسم عزاداری رجوع کنید به: علی مظاهری: زندگی مسلمانان در قرون وسطا، ص ۶۸، ۶۹ و نیز متر: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۱۲۹.

۴۹- علی مظاهری: زندگی مسلمانان در قرون وسطا، ص ۱۷۵. شبیه این محدودیتها برای

←

از دیگر حرکت‌های اجتماعی اواخر قرن دوم و اوایل سوم هجری قمری، حرکت بابک خرم‌دین در آذربایجان علیه دستگاه خلافت عباسیان بود. خرم‌دینان رنگ و شعار قرمز را برای خود انتخاب کرده بودند و به همین دلیل نیز در تاریخ به «محمیره» مشهور شدند. سیاست‌نامه درباره این حرکت چنین می‌نویسد:

«درسنه اثنی وستین و مایه در ایام مهدی، باطنیان گران که ایشان را سرخ عکلم خوانند، یعنی محمیره، قوتی گرفتند عظیم و با خرمه‌دینان دست‌یکی کردند و گفتند ابو مسلم زنده است، ما مثلك بستانیم و بدو بازدهیم.»<sup>۵۰</sup>

با پیدایی گروه‌های مختلف تصوف، رنگ همچنان مفهوم سیاسی و اجتماعی خود را حفظ کرد و حتی در درجات عرفانی برخی از شاخه‌های تصوف مفهوم و معنی خاص یافت، اما کماکان رنگ سبز بعنوان نمادی از اعتقادات مذهبی و قرمز به عنوان نموداری از خونخواهی و بازیافتن حق از ظالم ظاهر می‌شود. در جهان عرفان و تصوف رنگ‌های ذیل بکار رفته است: سرخ، سبز، ازرق (کبود)، زرد، سفید و سیاه.<sup>۵۱</sup> در قرن پنجم هجری قمری / یازدهم میلادی پیروان حسن صباح برای آنکه

→

دیگر اقلیت‌های مذهبی مانند مسیحیان و زرتشتیان در عصر عباسی وجود داشت. رجوع کنید به برتولد اشپولر: ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ترجمه مریم میراحمدی (تهران ۱۳۶۷) (زیر چاپ)، فصل «طبقات اجتماعی».

۵۰- نظام‌الملک: سیر الملوك، سیاست‌نامه، به کوشش هیوبرت دارک (تهران ۱۳۵۵)، ص ۲۱۲؛ و همچنین برای اطلاع از حرکت خرم‌دینان و سرنوشت بابک نگاه کنید به: ابن‌واضح یعقوبی: تاریخ یعقوبی، ص ۴۹۵، ۴۹۹ و ۵۰۰.

۵۱- طور دل سرخ، طور غیب‌سبز، طور تن ازرق، طور روح زرد، طور سر سفید و طور خفا سیاه. برای اطلاع دقیقتر پیرامون جنبه نمادین رنگها در درجات هفت‌گانه تصوف و از جمله فرقه قادریه رجوع کنید به: اسماعیل بن سید محمد سعید قادری: الفیوضات الربانیة فی المآثر والاوراد القادریه (مصر ۱۹۶۰)، ص ۷، ۸ و دیگر صفحات.

بتوانند به بزرگان وقت نزدیک شوند، لباس و جامه کبود صوفیان را در بر می کردند.<sup>۵۲</sup> با سقوط عباسیان و از همان اواخر دوران حکومت خلفاء، بتدریج پوشیدن پارچه های خوش رنگ و براق جایگزین رنگهای سفید و سیاه شد.<sup>۵۳</sup> مردم عادی می توانستند، جامه و کفش قرمز بپوشند، همان گونه که در این ایام در نزد قیصر روم نیز مرسوم بود، و حتی ولیعهد بیزانس یک کفش به رنگ سیاه و دیگری به رنگ قرمز می پوشید، اما اشراف ایران پوشیدن کفش قرمز را عیب می دانستند.<sup>۵۴</sup>

در حکومت های دیگر نیز رنگ کم و بیش مفهوم اجتماعی خود را داشت. در نزد قراخانیان علاوه بر معانی اجتماعی رنگ، مفهوم جغرافیایی آن نیز بشدت حفظ شده بود. قراخانیان ابتدا رنگهای سیاه و سفید و سپس قرمز و آبی را برگزیدند، زیرا که این رنگها، نمادی از جهات اربعه بود. سیاه برای شمال، سفید برای مغرب، قرمز برای جنوب و بالاخره آبی برای نشان دادن جهت شرق بکار می رفت.<sup>۵۵</sup> گذشته از جهات چهارگانه، در ایران هم دلیل جغرافیایی مسکن بود بشکل دیگری بروز کند. در ولایت اصطخر (فارس) شهری وجود داشت که آنرا «بیضا» می نامیدند، زیرا دارای قلعه ای سفید بود که از دور می درخشید و سفیدی آن از جاده های دور به چشم می خورد.<sup>۵۶</sup> در قرن پنجم هجری قمری / یازدهم میلادی سلجوقیان ابتدا پرچم قرمز

۵۲- علی مظاهری: زندگی مسلمانان در قرون وسطا، ص ۱۵۰.

۵۳- همان کتاب، ص ۹۰.

۵۴- ثعالبی: بیتیمه الدهر، ج ۶، ص ۴۳؛ به نقل از متر: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری،

ص ۱۳.

۵۵- این شیوه جهت یابی و یافتن سمبل رنگ در جهات اربعه ریشه بسیار قدیمی در تمدن های کهن چین و آمریکای مرکزی و جنوبی دارد. برای اطلاع از رنگها بمنزله سمبلی از جهات اربعه نزد سرخ بوستان رجوع کنید به: هرمق کرن: رصدخانه های پیش از کلمب (در آمریکای مرکزی و جنوبی)، ترجمه خانم مهران کندری (تهران ۱۳۶۰)، ص ۸.

۵۶- سفرنامه ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار (تهران ۱۳۶۶)، ص ۵۰.

رنگ داشتند، اما بعدها آنرا به سیاه تبدیل کردند.<sup>۵۷</sup> انوری دربارهٔ پرچم سلطان سنجر (۵۵۳-۵۱۱ ق/ ۱۱۵۷-۱۱۱۸ م) در قصیده خود در بغداد و در مدح سنجر اشاره به پرچم سیاه و چتر سفید وی دارد:

بگشا کارها حجر الاسود و سوزد  
کامد برنگ رایت عالم گشای شاه

و در بیت آخر همین قصیده:

بادا مرصع از گهر اختران سعد      چتر سپید پیکر خورشید سای شاه<sup>۵۸</sup>  
همچنین مجیرالدین بیلقانی شاعر معروف در مدح اتابک محمد پهلوان و رنگ سرخ شعار سلجوقیان چنین سروده است:

رایت سرخ ترا کافر فتح و ظفرست      مایه نصرت و پیرایه لشکر گیرنده<sup>۵۹</sup>  
در مورد شعار غزنویان و پرچم سلطان محمود غزنوی (۴۲۱-۳۸۸ ق/ ۱۰۳۰-۹۹۸ م) و رنگ سیاه آن فرخی سیستانی گفته است:

گفتا: کنون کجاست مراده نشان ازو؟      گفتم: به زیر سایه آن رایت سیاه<sup>۶۰</sup>  
شعار خوارزمشاهیان (۶۲۸-۶۷۰ ق/ ۱۲۳۱-۱۰۷۷ م) نیز سیاه بوده است.  
نسکوی در وقایع ایام جلال‌الدین و حمله مغول می‌نویسد:

«... جمعی سواران قرب سیصد نفر اینجا آمدند با علمهای سیاه و خبر دادند که جلال‌الدین با ماست، و تاتاران را که مقیم نسا اند، قتل کردیم.»<sup>۶۱</sup>

- 
- ۵۷- محمد بن علی بن سلیمان راوندی: راحة الصدور و آية السرور، به کوشش عباس اقبال و با تعلیقات مجتبی مینوی (تهران ۱۳۳۳ - لندن ۱۹۲۱)، ص ۱۴۴ و ۱۴۸.
- ۵۸- همان کتاب، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.
- ۵۹- همان کتاب، ص ۳۱۸.
- ۶۰- دیوان حکیم فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، (تهران ۱۳۳۵)، ص ۳۴۳.
- ۶۱- شهاب‌الدین محمد فرزند نسوی: سیرت جلال‌الدین میهن‌کبرنی (منکبرنی) به تصحیح مجتبی مینوی (تهران ۱۳۶۵)، ص ۸۷.

در عصر مغولان علامت ریاست نظامی «پرچم سیاه» بود، و در واقع «پرچم سیاه» سلطان خاقان (چنگیزخان) به (امپراتوری) جانشین او رسید. «۶۳» همچنین پس از تجزیه مغولستان به خانات متعدد در نیمه دوم قرن دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی، فرقه جدید بودائی به نام «زردکلاهان» بوجود آمد، که در زندگی اجتماعی مغولان تأثیر فراوان گذاشت. ۶۳

در قرن نهم هجری قمری / پانزدهم میلادی دوسلسله «قرا» قوینلو و «آق» قوینلو (سیاه و سفیدگوسفندان)، نام سیاسی خود را علاوه بر دیگر مسائل با خود داشتند. ۶۴ در آغاز قرن دهم هجری قمری با روی کار آمدن سلسله صفویه و حکومت «قزلباشان»، رنگ قرمز مفهوم اجتماعی خاصی یافت، زیرا که حکومت صفوی با کمک قبایل قزلباش (سرخ‌سر) روی کار آمده بود. عالم آرای عباسی درباره شهرت این خاندان چنین می‌گوید

«حیدر در رؤیای صادقانه، شبی در خواب دید که او را منهیان عالم غیب مأمور گردانیدند که تاج دوازده ترک که علامت اثنی عشریت است، از سقر لاط قرمزی ترتیب داده، تارک اتباع خود را به آن افسر بیاراید. سلطان از مشاهده این خواب، کلاه شادمانی بر تارک سرافکننده، طاقیه ترکمانی را که متعارف آن زمان بود، به تاج ده‌ج دوازده ترک حیدری تبدیل نموده، اتباع کرامش اقتدا به آن حضرت کرده، تمامی منسوبان این خاندان به این افسر گرامی از سایر الناس امتیاز یافته، بدن جهت آن طبقه جلی الشان به قزلباش

۶۲- ب. ولادیمیرتسوف: نظام اجتماعی مغول، ترجمه شیرین بیانی (تهران ۱۳۶۵)، ص

۲۹۱ و ۲۹۲.

۶۲- همان کتاب، ص ۲۹۳.

۶۴- برای آگاهی از وجه تسمیه این اسامی رجوع کنید به والتر هینس: تشکیل دعوت

ملی در ایران، ترجمه کیکاووس جهان‌داری (تهران ۱۳۶۱)، ص ۳۱ و بعد.



## اشتهار یافتند . « ۶۵

بدینسان کلاه و رنگ قرمز، نماد حکومت صفوی شد .

علماء و بزرگان علوم دینی عصر صفوی نیز مانند دانشمندان متقدم، توصیه‌هایی در مورد برخی رنگها کرده‌اند . بطور مثال مرحوم علامه محمدباقر مجلسی دانشمند و فقیه معروف عهد صفوی در بعضی آثار خود، مطالبی را به این امر اختصاص داده است که عیناً نقل می‌شود :

« ... بهترین رنگها در جامه سفیداست و بعد از آن زرد و بعد از آن سبز و بعد از آن سرخ نیم‌رنگ و کبود و عدسی، و مکروه است سرخ تیره خصوصاً در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد در همه حال، مگر در عمامه و عبا و موزه، ... و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که پوشید جامه سفید که آن نیکوتر و پاکیزه‌ترین رنگهاست و مرده‌های خود را در آن کفن کنید . و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، در اکثر اوقات جامه سفید می‌پوشیدند، و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را در میان قبر و منبر نماز می‌کردند و جامه زردی به رنگ به پوشیده بودند ... و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عتبه به خدمت حضرت امام محمدباقر علیه السلام رفت، دید که جامه سرخ تیره که به گل کافشه رنگ کرده بودند، پوشیده

۶۵ - اسکندربیک ترکمان: عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ (تهران - اصفهان ۱۳۳۵)، ص ۱۹. باید یادآور شد که این رنگ قرمز در پرچم و دیگر شعار صفوی ظاهر شد، اما در طول عصر صفوی رنگهای دیگری نیز برای پرچم انتخاب شد . در سال ۱۹۷۴ در دیداری از موزه کرونبورگ (Kronburg) واقع در شمال کپنهاگ، پرده ابریشمی از عصر صفوی دیدم که پنج پرچم این دوره را با رنگهای سبز، زرد و حاشیه‌ای آبی رنگ نشان می‌داد .

است. حضرت فرمودند که در این جامه چه می‌گویید، حکم گفت که چه گوئیم در چیزی که شما پوشیده باشید، اما جوانان شوخ که در میان ما این جامه را می‌پوشند، ما ایشان را عیب می‌کنیم. حضرت فرمود که زینت خدارا کی حرام کرده‌است، بعد از آن فرمود که به این سبب این جامه را پوشیده‌ام که تازه داماد شده‌ام. و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که جامه سرخ تیره پوشیدن، کراهت دارد مگر برای نوداماد. و در حدیث معتبر از یونس منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را دیدم که طبلسان کبود پوشیده بودند. و از حسن زیات منقول است که دیدم حضرت ابی جعفر علیه السلام را که جامه به رنگ گل سرخ پوشیده بودند. و محمد بن علی روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام را دیدم که جامه عنسی پوشیده بودند. و از ابی العلاء منقول است که حضرت صادق علیه السلام را دیدم که در حال احرام برد یمنی سبزی پوشیده بودند. و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که جبرئیل در روز آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد، بعد از نماز عصر چون به آسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله فاطمه (ع) را طلب فرمود که شوهر خود علی (ع) را بطلب. پس چون حاضر شدند، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در جانب راست نشانید و دستش را گرفت و بردامن خود گذاشت، و حضرت فاطمه (ع) را در جانب چپ نشانید، و دستش را گرفت و بردامن خود گذاشت. پس فرمود که می‌خواهید شمارا خبر دهم به آنچه جبرئیل مرا به آن خبر داد. گفتند بلی یا رسول الله. فرمود که جبرئیل گفت که در قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خدای تعالی دو جامه بمن

پوشاند، یکی سبز و دیگری سرخ به رنگ گل . و تو یا علی در جانب راست عرش باشی و دوجامه چنین در تو پوشانند . پس راوی عرض کرد که مردم رنگ سرخ چنین را مکروه می‌دانند ، حضرت فرمود که چون خدا حضرت عیسی (ع) را به آسمان برد، دوجامه چنین بر او پوشانید . و به سند معتبر از حضرت امیر المؤمنین (ع) منقول است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم، فرمود که در آن نماز مکن که لباس اهل جهنم است . و از حضرت رسول (ص) منقول است که مکروه است سیاه، مگر در سه چیز ؛ در موزه و عمامه و عبا .<sup>۶۶</sup>

در عصر افشار (۱۲۱۰-۱۱۴۷ق/۱۷۹۶-۱۷۳۵ م) طبق گزارش جونس هنوی، رنگ و پرچم سرخ مورد استفاده بوده و در مراسم رسمی بکار می‌رفته است.<sup>۶۷</sup> همچنین لباس ارتش ایران نیز از پارچه سرخ ارغوانی تهیه می‌شده است.<sup>۶۸</sup> در اوایل عصر قاجار، رنگ سرخ کماکان جزء رنگهای رسمی دولت ایران محسوب می‌شد . علاوه بر آن رنگهای سفید و آبی نیز به صورت حاشیه در بریرتها و شعائر رسمی و مذهبی «دست علی» و «ذوالفقار عالی» بکار می‌رفته است.<sup>۶۹</sup> در زمان ناصرالدین شاه دیگر رنگ آن مفهوم اجتماعی و سیاسی خود را کمتر داشت و اگرچه رنگ رسمی در دستگاههای دولتی کماکان سرخ بود، از رنگهای دیگر هم استفاده می‌شد . با تغییراتی که در ادارات دولتی و نیز قوای نظامی در این

۶۶- علامه محمدباقر مجلسی: حلیة المتقین، (تهران ۱۳۶۲). فصل چهارم، ص ۷ و ۸.  
 ۶۷- جونس هنوی: زندگانی نادرشاه ترجمه اسماعیل دولتشاهی (تهران ۱۳۶۵)، ص ۱۹۶.  
 ۶۸- همان کتاب، ص ۲۰۲. آنچه که روشن است بویژه در عصر نادر از رنگهای دیگر و حتی پرچمهای راه‌راه رنگی هم استفاده شده است. توجه علاقه‌مندان را به آثار موجود در موزه نظامی ایران واقع در محوطه موزه سعدآباد تهران جلب می‌کنم .

عصر پیش آمد، بیرقهای متعددی در مراسم بکار رفت. بطور مثال بیرق «قاپوق» که سرخ رنگ بود، بیرق «فوج پیاده» که سفید رنگ و با حاشیه سرخ و نوشته «بسم الله الرحمن الرحيم» بود، بیرق «تویچی» که آبی رنگ و با عبارات «بسم الله الرحمن الرحيم» و نیز «انا فتحنا لك فتحاً مبيناً» و یا «نصر من الله وفتح قريب» در حاشیه سبز رنگ بود، بیرق «سوار» بارنگ سفید و حاشیه آبی و عبارات مشابه و بالاخره بیرق «عزا» که به رنگ سیاه و در مراسم عزاداری عاشورا بکار می رفت.<sup>۷۰</sup> اما اواخر قرن سیزدهم هجری قمری/بیستم میلادی در ممالک اسلامی، رنگ کماکان نقشی حساس را در رویدادهای تاریخی ایفاء می کرد. در سرزمین عثمانی در واپسین دهه های قرن نوزدهم و دهه های آغازین قرن بیستم، اعتقادات سنتی و مذهبی گروه های ملک طاوسیان که رنگ آبی را حرام می دانستند، مشکلاتی برای دولت عثمانی پدید آورد، زیرا لباس نظامی ارتش عثمانی آبی رنگ بود و پیروان ملک طاوسی بعلت اعتقادات مذهبی از پوشیدن اونیفورم ارتش و رفتن به خدمت نظام، سرباز زدند و همین امر سبب کشتار عظیمی از آنان شد.<sup>۷۱</sup> در همین عصر در ایران نیز، رنگ کماکان مفهوم اجتماعی خود را قوت بخشید که از جمله می توان از حرکت تاریخی میرزا کوچک خان جنگلی نام برد که رنگ قرمز را بعنوان شعار در نهضت جنگل بکار برد.<sup>۷۲</sup>

۷۰- درموزه نظامی ایران، مجتمع سعدآباد تهران. چنین می نماید که در سنت و عادات مردم عادی رنگهای متنوع و مختلف نیز بکار می رفته است. دکتر پولاک، پزشک اتریشی مقیم دربار ناصرالدین شاه به رنگهای متعدد زرد، قرمز، سبز و آبی مردم و نیز برخی از درباریان اشاره می کند. رجوع کنید به: سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، (تهران ۱۳۶۱)، ص ۱۰۲ و بعد.

۷۱- جهت آشنایی با عقاید و آراء ملک طاوسیان (یزیدی) ایران رجوع کنید به: مریم میراحمدی: دین و مذهب در عصر صفوی، (تهران ۱۳۶۳)، ص ۸۴ الی ۸۷.

۷۲- برای اطلاع از چگونگی حرکت جنگل و آگاهی از عقاید و روند تاریخی این نهضت رجوع کنید به: ابراهیم فخرایی: سردار جنگل، (تهران ۱۳۴۴).